

یادی از درگذشتگان قلمرو فرهنگ و هنر

آن‌ها که از بین ما رفتند

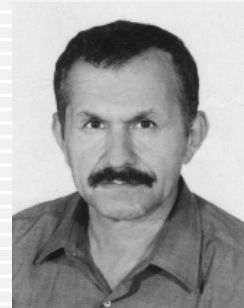
■ تحریریه میرداماد ■

■ آغاز سخن

در این روزها بیشترین و شایع‌ترین اخباری که می‌شود شنید، خبر کوچ عزیزانی است که روزگاری در مرکز دایره فرهنگ و ادب و هنر میدان‌داری کردند، اما چندی بعد به فراموشی سپرده شدند و باز با انتشار خبر کوچشان به دنیایی دیگر، دوباره در یادها زنده شدند. ولی بازهم اندکی پس از این -جز در دل و ذهن معدودی از افراد- برای همیشه فراموش خواهند شد. در این میان خوش به سعادت کسانی که هنوز یارانی وفادار دارند و نخواهند گذاشت چراغ یاد و خاطره‌ی دوستان از میان رفته، رو به خاموشی رود و یا آنان که به گونه‌ای زیستند و آن قدر بزرگ بودند و هستند که حتی اگر بخواهی فراموش شوند، فراموش نخواهند شد. هرچند باید اعتراف کرد جامعه‌ی مصرف‌گرای امروز آن قدر فراموش‌کار شده، که قادر است بزرگ‌ترین‌ها و فراموش‌ناشدنی‌ترین‌ها را نیز به ورطه فراموشی بیاندازد. فصلنامه میرداماد به منظور پاسداشت خادمان فرهنگ سرزمین گرگان و ثبت نام و یاد آنان در تاریخ این دیار، به معرفی تعدادی از درگذشتگان ماه‌های اخیر، به ویژه آنان که زمینه‌ساز رویدادهایی بزرگ بودند، اما آن چنان که باید و شاید شناخته نشدند، خواهد پرداخت. نامشان زنده و یادشان گرمی باد!

■ درویش علی رضایانی

مشهور به «درویش»، فرزند ابوالقاسم و خدیجه، از نوادگان پیرقلی خان شامبیاتی قاجار (سردار سپاه فتح‌علی‌شاه و عباس‌میرزا)، در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۶ در شهر گرگان تولد یافت. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در گرگان سپری کرده، پس از پذیرش در آزمون تربیت معلم، به استخدام آموزش و پرورش درآمد، مدتی در دبستان روستای میاندره معلم مقطع ابتدایی بود، سپس به مدرسه کردکوی منتقل شد. در اوایل دهه ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به تهران رفت و با مدرک فوق‌دیپلم هنر به زادگاه خود بازگشت و تا زمان بازنشستگی در مدارس



راهنمایی گرگان مشغول تدریس بود. وی پس از بازنشستگی چند سالی به مدیریت مدرسه غیرانتفاعی ارشاد منصوب شد و پس از آن مدیریت مدرسه غیرانتفاعی فخرالدین اسعد گرگانی را برعهده گرفت و مدتی هم معاون مدرسه دکتر حسابی گرگان بود. اما پس از آن برای همیشه فعالیت در آموزش و پرورش

را رها کرده، یک مغازه لوازم التحریر کوچک در خیابان ششم بهمن دایر کرد و تا پایان عمر به همین شغل اشتغال داشت. در سال ۱۳۵۶ وقتی استاد محمدعلی لطفی مقدم، ریاست وقت اداره فرهنگ و هنر گرگان، پیشنهاد تأسیس انجمن سینمای جوانان گرگان را به محمدرضا اثنی عشری داد، نخستین کسی که در این کار با اثنی عشری همراه شد، درویش رضایانی بود. او به قطع در شکل گیری انجمن سینمای جوانان گرگان در سال های پیش از انقلاب نقش مؤثری داشته و ضمن این که یکی از فعال ترین اعضای انجمن بود، ریاست قسمت اداری انجمن را نیز برعهده داشت. وی هفته ای یک بار به همراه علی اصغر پوراکبر به تهران می رفت و از یکی از بنگاه های خصوصی فیلم در تهران، فیلم هایی را برای پخش در گرگان، به امانت گرفته، در گرگان نمایش می داد و مجدداً بازمی گرداند. این اقدام ارزشمند که رضایانی در آن نقش کلیدی داشت، در شکل گیری کانون فیلم گرگان و افزایش سواد سینمایی علاقه مندان این حوزه تأثیر غیرقابل انکاری داشته است. لازم به ذکر است که وی علاوه بر آوردن فیلم به گرگان و اکران آن در سینماهای شهر - به ویژه سینما مولن روژ - شخصاً در چاپ آگهی های پخش فیلم و انتشار آن ها نیز فعالیت داشت. در این دوران فاخترین و تأثیرگذارترین فیلم های سینمای جهان در گرگان نمایش داده شد، که علاوه بر ارتقاء سواد بصری و دانش سینمایی جوانان، در شکل گیری روحیه انقلابی و ضد سلطنت آن ها نیز مؤثر بوده است. چنان که خودش نیز در آن سال ها به عنوان یک فعال سیاسی - اجتماعی شناخته می شد.

درویش علی رضایانی، به معنی واقعی یک انسان، شخصی متواضع، صادق، سالم و رفیقی وفادار بود. وی که دارای سه فرزند (دو دختر و یک پسر) است، مدت ها مبتلا به بیماری بود، لکن در اواخر شهریور و اوایل مهرماه ۱۴۰۲ بر اثر سرطان خون به بستر بیماری افتاد و پس از حدود چهل روز، در روز سه شنبه نهم آبان ۱۴۰۲ از این جهان فانی رخت بربست.

■ آقاسیدصادق میرحیدری



مشهور با «آق صادق» و مخاطب به عنوان «آقا»، فرزند سیدابراهیم و صدیقه بیگم شیرنگی، در ۲۴ اسفندماه ۱۳۲۲ در خانواده ای اهل منبر به دنیا آمد. خاندان پدری اش از نسل آقامیرحیدر میرکریمی و نسل به نسل جزو ذاکران طراز اول استرآباد بودند. مادر او نیز مرحومه صدیقه بیگم شیرنگی جزو آخرین حاملان میراث معنوی تعزیه ی بومی استرآباد و از راویان و بازی گردانان «آیین گفتگو» و در نوحه خوانی و مداحی صاحب سبک بود. آقاسیدصادق پس از اتمام تحصیلات، جذب آموزش و پرورش گرگان

شد و در همین شغل نیز به بازنشستگی نایل گردید. وی از سن ۹ سالگی به تشویق برادر بزرگ خود، مرحوم سیدقاسم میرحیدری، که از مداحان خوش صدای گرگان بود، به مداحی و نوحه خوانی روی آورد و نخستین تجربیات خود را با پامنبری خوانی آغاز کرد. نخستین تجربه ی عمومی او پامنبری خوانی در مدرسه سادات گرگان، در حضور آیت اله آقاسیدرسول میرکریمی بود، که مورد تحسین این عالم بزرگوار

گرگانی قرار گرفت و از آن جا که به طور ذاتی از صدای خوش و خاصی برخوردار بود، در مدت کوتاهی به یکی از ذاکران و مداحان مشهور گرگان تبدیل گردید. او بخشی از ردیف آوازی موسیقی ایران را به صورت سینه به سینه از برادر، پدر و مادر خود آموخت و تا حدودی با دستگاه‌های موسیقی آشنایی داشت. لازم به ذکر است که برادر کوچک وی، سید محمود میرحیدری نیز، که دارای صدایی خوش بود، در نوجوانی به عنوان خواننده به عضویت گروه موسیقی ایران شهر درآمد و با اغلب نوازنده‌های آن زمان به اجرای برنامه می پرداخت. در سال‌های پیش از انقلاب ۱۳۵۷ آقا سید صادق یکی از معدود جوانان نوحه خوان گرگان محسوب می شد و در ایام سوگواری محرم و صفر برنامه‌های پرشوری برگزار می کرد. یکی از ویژگی‌های وی بداهه سرایی، بداهه خوانی و نیز ساختن اشعار مختلف متناسب با فضای فرهنگی-اجتماعی گرگان بود؛ چنان که در یکی از نوحه‌هایی که سروده، نام تمامی محله‌های گرگان را آورده است: «میدان و دربند اندر عزای تو/ شهزاده قاسم است است محو لقای تو... الخ». آقا سید صادق در دی ماه ۱۳۵۷ که مصادف بود با اربعین حسینی، در شهر گرگان دسته‌ی عزاداری بزرگی راه اندازی کرد و ضمن خواندن نوحه‌های پرشور حماسی، به خواندن برخی از اشعار انقلابی نیز اقدام کرد. وی پس از انقلاب ۱۳۵۷ با همراهی و کمک آیت‌اله سید محمد رئیسی و گروهی از خیرین گرگانی، حسینیه بزرگی در زمین تیمچه خرابه، واقع در گذر دوشنبه‌ای گرگان احداث کرد و هیأت مذهبی «مکتب الحسین» را در آن راه اندازی نمود. میرحیدری که یکی از گنجینه‌های میراث معنوی شهر گرگان بود، در تاریخ ۲۲ آذرماه ۱۴۰۲ در محل سکونت خود واقع در شهرک فرهنگیان گرگان جهان فانی را بدرود گفت. لازم به یادآوری است که مادر وی صدیقه بیگم شیرزگی، فرزند سید نصراله و خدیجه بیگم (متولد ۱۳۰۲) نیز حدود پنج ماه پیش از او در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ و در سن ۹۹ سالگی درگذشت.

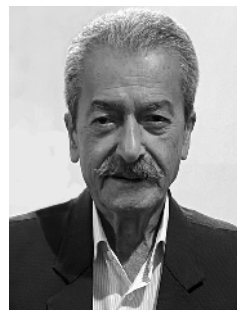
■ رضا معینی



فرزند علیجان در ۱۹ خردادماه ۱۳۲۳ به دنیا آمد. خانواده پدری وی اصالتاً اهل گرگان بودند، لکن به واسطه شغل پدر، وی در تهران رشد کرد و تا پایان عمر نیز در همان جا ماند. معینی از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ در رادیو ایران به عنوان گوینده مشغول به کار شده و در اواخر دهه ۱۳۴۰ (حدود سال‌های ۴۹-۱۳۴۸خ) به طور رسمی به استخدام رادیو ایران درآمد. از آثار ماندگار او در دوران فعالیت در رادیو، اجرای برنامه‌های «در انتهای شب»، «قصه شب» و «گل‌های تازه» است. به واسطه آشنایی استاد حسن کسائی و رضا معینی در برنامه‌های گل‌ها، در

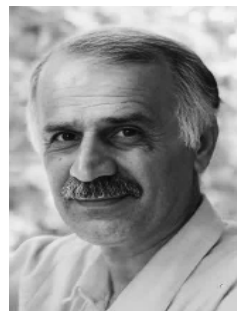
آلبوم موسیقی «قصه‌های عشق مجنون» (نکوداشت مولانا در سال ۲۰۰۷) اثر حسن کسائی، رضا معینی اشعار مولانا را دکلمه کرده است. رضا معینی در دهه ۱۳۶۰ اجرای یکی از نخستین مسابقات تلویزیونی با عنوان «نام‌ها و نشانه‌ها» را برعهده داشت. وی که در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شده بود، حدود دو سال از بیماری پارکینسون رنج می برد و در نهایت در ۱۰ آذرماه ۱۴۰۲ در تهران درگذشت.

■ آقاسید محمد علی محسنی مفیدی



مشهور به «محسنی خیاط»، فرزند آقاسید ابوتراب و حاجیه فاطمه در ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۲۰ در محله میدان شهر گرگان به دنیا آمد. وی از سادات بنی مفید استرآباد و از نسل آقامحسن شیخ‌الاسلام (مؤسس مدرسه محسنیه استرآباد) بود. وی در جوانی به حرفه خیاطی روی آورد و به یکی از مشهورترین خیاط‌های شهر گرگان تبدیل شد. محسنی که در زمان حیات خود آخرین نسل از متولیان موقوفات آقامحسن و مدرسه محسنیه بود، یکی از حاملان میراث معنوی شهر گرگان محسوب می‌شد. صحبت‌های او از تاریخ گرگان، یادآور کتاب «تاریخ اجتماعی تهران» نوشته جعفر شهری بود. آن قدر در روایت وقایع تاریخی به جزئیات تسلط داشت که می‌توانست هر رویداد را با کلام به تصویر بکشد. وی که پیش از انقلاب عضو تیم بسکتبال گرگان بود، پس از انقلاب ۱۳۵۷ با کمک جمعی از هم‌تیمی‌های قدیم خود بخشی از تکیه خاندان محسنی مفیدی در شرق میدان عباسعلی را به تکیه بسکتبالیست‌ها تبدیل کرد. وی تا آخرین لحظات حیات فعالیت روزمره خود را داشت. لکن سرانجام در روز ۲ آذرماه ۱۴۰۲ در منزل شخصی خود در شهر گرگان بدرود حیات گفت.

■ حسینعلی حاج محمدی



فرزند حبیب‌اله و جهان در ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ در محله باغشاه گرگان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در گرگان سپری کرده و برای ادامه تحصیل راهی تهران شد. وی در زمان دانشجویی، به عضویت انجمن سینمای جوانان تهران درآمد و پس از دریافت مدرک کاردانی هنر در رشته عکاسی، به گرگان بازگشت. وی در گرگان ضمن عکاسی از سوژه‌های مختلف، به عنوان یکی از اعضای انجمن سینمای جوانان گرگان در گروه‌های فیلمسازی آماتوری و حرفه‌ای بومی، همزمان به عنوان صدابردار و عکاس پشت‌صحنه فعالیت داشت. حاج محمدی که از دوران نوجوانی با عکاسی آشنایی داشت، از سال ۱۳۶۴ همزمان با دایر شدن رشته گرافیک در هنرستان‌های گرگان، به عنوان نخستین مربی عکاسی در مدارس گرگان مشغول به کار شد و همزمان به عنوان مدیر انجمن سینمای جوانان گرگان، این انجمن را پس از چند سال تعطیلی، مجدداً در شهر گرگان دایر کرد. وی در دوران مدیریت استاد مسعود امامی در انجمن سینمای جوانان گرگان نیز بیست معاونت انجمن را برعهده داشته است. حاج محمدی در دو دهه اخیر ضمن پیگیری فعالیت‌های آموزشی و هنری، به عنوان همسر و پدری وفادار به خانواده خود خدمت کرد و با وجود این که در سال‌های اخیر با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد، تا آخرین لحظات از فعالیت بازنماند. لکن در ماه‌های آخر حیات خود در بستر بیماری افتاد و سرانجام در روز ۸ دی‌ماه ۱۴۰۲ به دیار باقی رخت برکشید.

■ تاج‌وردی پیکر

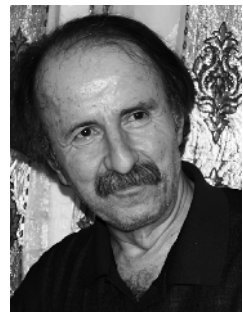


فرزند آی‌دُقدی و ارازبی‌بی، در یکم خردادماه ۱۳۴۳ در بندر ترکمن به دنیا آمد. دوران تحصیلی خود را از مقطع ابتدایی تا دبیرستان در زادگاه خود سپری کرد و پس از پایان دوران خدمت سربازی، به زادگاه خود بازگشت. با وجود این که در خانواده وی کسی اهل موسیقی نبود، وی در دوران نوجوانی به موسیقی علاقه‌مند شد و در حدود ۲۰ سالگی آموزش موسیقی را نزد استاد مجید تگه آغاز کرد. وی پس از سال‌ها تلمذ نزد دکتر مجید تگه، به یکی از استادان موسیقی ترکمن در حوزه نوازندگی دوتار، خوانندگی و آهنگسازی تبدیل شد.

تاج‌وردی توسط دکتر مجید تگه به رادیو گرگان راه یافته، در سال ۱۳۶۵ (۲۲ سالگی) در اداره رادیو استخدام شد. اما اشتغال اصلی او در آن‌جا، گویندگی در برنامه‌های ترکمنی رادیو بود. او پس از سال‌ها گویندگی در رادیو، در بخش موسیقی محلی نیز فعال شده و کارهای متعددی را تولید کرد. علاوه بر آثار موسیقی متعددی که در آرشیو صداوسیما گلستان از وی باقی مانده، یکی از کارهای ارزشمند او در دوران اشتغال در صداوسیما این بود که گروهی از نوازندگان ترکمن را به رادیو دعوت و از هر کدام آن‌ها چندین قطعه را ضبط کرد که از آن زمان تاکنون گاه‌گاه از صداوسیما گلستان پخش می‌شود.

یکی از آثار فاخر استاد تاج‌وردی پیکر اجرای زنده قطعه کچ‌فلک در نمایش «نارآغز» به کارگردانی استاد علیرضا درویش‌نژاد بوده است. این نمایش در سال ۱۳۶۶ در جشنواره فجر تهران مورد توجه قرار گرفته و از تاج‌وردی پیکر نیز بابت اجرای موسیقی آن تقدیر شد. به شهادت بسیاری از کسانی که این نمایش را دیده‌اند، یکی از تأثیرگذارترین بخش‌های این نمایش همان بخش اجرای استاد پیکر بوده است. از دیگر اجراهای استاد پیکر در کنار تئاتر، می‌توان به اجرا در نمایش مخته‌مقلی در ایران و ترکمنستان اشاره کرد. تاج‌وردی هرچند با موسیقی به این دنیا نیامد، ولیکن با موسیقی از این دنیا رفت. این گنجینه ارزشمند موسیقی و فرهنگ ترکمن در روز ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۲ در شهر بندر ترکمن به آواهای ازلی پیوست.

■ مختار رنجیده یامچی



فرزند غلامعلی و سکینه، در ۲۰ مردادماه ۱۳۳۶ در شهرستان مینودشت به دنیا آمد. وی که از شعرای شاخص شرق استان گلستان و مسؤول انجمن شعر و ادب بیدل مینودشت بود، در غرلسرایی تبحر داشت و مجموعه‌ای از شعرهایش با نام «شبان‌های دلتنگ» تاکنون منتشر شده است. مختار رنجیده، که مدتی از بیماری رنج می‌برد، در شامگاه شنبه ۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ در مینودشت درگذشت.